

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



**د مولانا سعيد افغاني د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان**

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org)

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي و نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

**د مولانا سعيد افغاني : آزاده ، ټولنيزه ، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته بڼه راغلاست!**



مؤلف : شاد روان استاد  
علی اصغر بشیر هروی

**از کتاب  
هزار و یک  
حکایت  
ادبی و تاریخی**



## شاد روان استاد علی اصغر

### « بشیر هروی »

تاریخ نشر : 19 مارچ 2017 م

## حکایت 249

**گرفتن برد از رخ مرد آب - سیه روی شد تا گرفت آفتاب**  
« سعدی »

### دو دل سوخته

سلمان ساوجی شاعر بزرگ قرن هشتم هجری (متوفی ۱۲ صفر ۷۷۸) شبی را تا نیمه های شب در خدمت سلطان اویس بن امیر شیخ حسن جلاير (۷۵۷ - ۷۷۷) بسر برد و هنگامی که مجلس پایان یافت چون شب تاریک بود و سلمان را می بایست به خانه خود رفت . سلطان یکی از خادمان خود را مؤظف کرد که شمعی بزرگ بالگن زرین (شمعدان) از مجلس برداشته به خانه سلمان برساند و همانجا بگذارد و چون صبح شود آنرا باز آورد . خادم بفرموده عمل نمود و شمع و لگن را همراه با سلمان به خانه او رسانید و چون صبح شد سلمان مثل همه روزه به ملازمت سلطان رفت . فراش از وی شمعدان زرین را طلب کرد و سلمان این قطعه را بالبدیهه سرود :

من و شمعیم دو دلسوخته خانه سیاه  
که شب او سوزد و من از غم مردم سوزم !  
شمع خود سوخت شب دوش و بزراری امروز  
گر لگن می طلبد شاه ز من من سوزم !

سلطان را خوش آمد و لگن را بوی بخشید .

\*\*\*\*

[www.24sahat.com](http://www.24sahat.com)

- [www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) بازگشت به صفحه اصلی